

رنجی دیگر در کارنامه رنجهای بی شمار

خاندان خمینی کبیر

(دل نوشته ای از دکتر حمید انصاری)

درباره حادثه سهمگین اخلال ظالمانه جمعیتی اندک در مراسم ملی بزرگداشت امام خمینی (س) و توهین به حرم امام، حریم امام و یادگار امام

بنام خدای مظلومان

انا لله و انا الیه راجعون

روز گذشته در کمال ناباوری و در حالی که چشم دهها هزار زائر به تریبون مراسمی دوخته شده بود که در یک سویس مضجع نورانی امام بود و در سوی دیگرش چشم ها و قلب های بی شمار مشتاقانی که آمده بودند تا خاطره فراموش نشدنی وداع جانسوز ۱۴ خرداد را در سالروز رحلت مقتدایشان زنده کنند و همراه با میلیون ها بیننده ای که از رسانه ملی نظام در بزرگترین مراسم سالانه در عصر پس از امام و در محضر صاحبان عزا، اعضای خانواده شریف امام، قدردانی خود را از عزیزی که تمام هستی و خاندان خویش را وقف عزت اسلام و سربلندی ملت شریف ایران کرده است در پیش چشم صدها خبرنگار خارجی به نمایش بگذارند، آری، در کمال ناباوری در چنین روزی در محضر امام، در حرم امام و در جلوی دیدگان خاندان امام، ظلمی را نسبت به بانی مجلس و یادگار امام سازمان دادند که اگر در دید و منظر همگان نمی بود کسی باور نمی کرد.

دیروز (جمعه) یادگار و حفید محبوب امام، همان کسی که از بدو تولدش بارها امام در نامه هایش از تبعیدگاه، دعاها ی خاص خود را همراه با بوسه های پدرانه و مهربانانه نثار او کرده و

صدها بار بر سر و روی او بوسه زده است، همان کسی که امام خمینی در مناجات‌های شاعرانه و سروده‌هایش با تبرک جستن به اسامی اهل بیت رسول خدا(ص) برای او و دیگر اهل بیتش عزت و ماندگاری را از خدای متعال طلب کرده است، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید حسن آقای خمینی با دوبار تأکید رهبر معظم انقلاب به عنوان دومین سخنران مراسم - طبق سنت همه ساله پشت - تریبون آمد.

پیغام‌ها و هشدارهایی از مدت‌ها قبل از برخی محافل افراطی می‌رسید و رسماً نیز در اظهارات برخی افراد مؤثر در مراکز خاص در سایتها انعکاس یافته بود مبنی بر این که نخواهند گذاشت این سخنرانی پا بگیرد. شواهد و قراین همگی از تصمیم همان محافل افراطی به اخلال در برنامه سخنرانی یادگار امام حکایت داشت. به واسطه عظمت ابعاد جسارتی که در این روز بزرگ به وقوع پیوست و پیامدهای عمیقاً نگران‌کننده آتی آن، اگر دبیر محترم ستاد بزرگداشت امام خمینی صلاح ببیند و شرحی از جزئیات مراسم به صورت مستند برای مسئولین امر و عموم مردم شریف و بهت زده از این ماجرا را منتشر نماید، در کشف علل و عوامل وقوع این ماجرای تلخ بسیار راه گشا می‌باشد.

به هر حال، چهره یادگار امام برای استقرار در پشت تریبون در جایگاه ظاهر شد. ایرانیان در طول تاریخ و اکنون نیز در همه جای جهان به ملتی با ادب، با فرهنگ و قدرشناس شناخته می‌شوند. جمعی از مسئولین نظام و علمای حاضر و میهمانان خارجی و مدعوین رسمی و عموم زائران امام آماده بودند تا با ذکر شیرین صلوات بر خاتم پیامبران(ص) به صاحب عزا، نوه و یادگار امام خوشامد گویند و داغ‌های نشسته بر دل این عزیز و مهم‌تر از همه داغ فراموش نشدنی رحلت امام را به وی و دیگر اهل بیت امام که در جمع حاضر بودند تسلیت گویند. اما از آغاز اعلان برنامه دومین سخنران، جمعیتی حدود هزار نفر در حالیکه در حساس‌ترین مکان نزدیک به جایگاه استقرار داده شده بودند با تمامی وجود فریاد می‌کشیدند و شعارهایی نامرتب و بعضاً توهین‌آمیز سر می‌دادند که قصد آنان در جلوگیری از سخنرانی یادگار امام تا زمانی که ایشان سخنانش را ناتمام گذاشت کاملاً مشهود بود. شعارها و مهمه‌هایشان درهم و نامفهوم بود، حاج سید حسن



آقا سخنش را با نام خدا آغاز کرد اما آن جمع اندک هتاک و پرهیاهو برنامه اشان چیز دیگری بود و همچنان به فریادکشی و اخلال ادامه می‌دادند. خیل زائرانی که از اقصی نقاط ایران از شهرها و روستاهای مختلف در محوطه صحن حضور داشتند ایستاده یا نشسته مات و مبهوت از چرایی این بی‌نظمیها، ساکت برای شنیدن سخنان عزیز خاندان خمینی منتظر بودند و جمعیت بیشتری که در محوطه بیرون صحن بودند نیز بی‌خبر از آنچه که در صحن و جلوی جایگاه اتفاق افتاده است برای استماع سخنان فرزند برومند یادگار امام به انتظار نشسته بودند. استواری، صبوری و متانت یادگار امام که میراث ارزشمند پدر و امام راحل است و بیان مقدمه سخنرانی ایشان و تذکرات توأم با آرامش ایشان نیز هتاکان را به شرم نیاورد. سرانجام عزیزمان حاج حسن آقا با دلی رنج‌دیده، حرمت شکنی در روز امام و حرم امام را تاب نیاورد و پس از تذکار چند نکته کوتاه اما بسیار پیامدار و پرمعنی - که اهل معرفت و آگاهی، معنای تکانه‌دهنده این جمله که هنوز دو دهه بیش از رحلت امام نگذشته است! را بخوبی می‌دانند - سخن خویش را نا تمام گذاشت و بدین ترتیب این جمعیت اندک اما پرهیاهو و با برنامه قبلی و مستظهر به حمایت‌های محافل افراطی که فضای روبرو و نزدیک جایگاه و تریبون (در پشت محل استقرار مسئولین و مدعوین) را اشغال کرده بودند جسارت شکستن حرمت حرم امام، حرمت مراسم عظیم رسمی سالروز رحلت امام و شکستن حریم خاندان و یادگاران امام را به نام خویش و به نام گردانندگان خود ثبت کردند. آری این جمعیت اندک، و البته نه اینها که گردانندگانشان که در سال‌های اخیر و این ایام جز خط کشیدن بر همه افتخارات سی ساله نظام، بی اعتبار کردن دست آورد های انقلاب و دادن نسبت های مکرر ناروا به نزدیک ترین اصحاب انقلاب و یاران امام و ایجاد تفرقه و تنش بین نیروهای انقلاب و دو دسته گی در جامعه و بدبین کردن جوانان به افتخارات و موارث و یادگاران امام با جعل و انتشار دروغهای مکرر و تهمت و افترا به دیگران آنهم با شعارها و نمادهای به ظاهر دفاع از امام، هنر دیگری نداشته و کار شبانه روزیشان در سایت ها و تریبون ها و مراسم و مداحی ها و خیابان ها این است که هر روز چهره ای دیگر از نیکان و خدمت گزاران ملت و انقلاب را از گردونه خدمتگذاری به مردم و انقلاب محروم، و ناجوانمردانه بر تمامی خدمات آنان قلم سیاه

بکشند، و یقیناً اگر روند به همین منوال ادامه یابد چنین سرنوشتی را این جریان افراطی برای یکایک خدمتگزاران صدیق انقلاب از هر دو جریان و جناح موجود و فعال در عرصه انقلاب تدارک خواهند دید. آری اینان و گردانندگانشان در روز جمعه در مراسم امام و در بزرگترین گردهمایی معنوی سالانه نظام، همان مراسمی که بیست سال است با کمال امنیت و پرشکوه بدون هیچ حادثه‌ای برگزار می‌شده است را با مقاصدی بسیار پست دنیایی و دست‌آوردی بس بی‌مقدارتر از آن به چالش کشیدند و حرمت‌ها را شکستند و دل دشمنان امام را شاد و دل دوستداران اهل بیت امام را داغی تازه نهادند.

نتیجه چه شد؟ صدها تن میهمانان خارجی دعوت شده به مراسم مهیبت و مغموم، سر اکثریت مسئولین رده‌های مختلف نظام در تمام طول برنامه پس از این واقعه تلخ، به زیر افکنده و غمگین، دل داغ‌دیده محترمان اهل بیت امام و عزیزان امام شکسته و با چشمانی اشک‌آلود مراسم را از نیمه ترک گفته، دل هزاران مادر و پدر شهید حاضر در مراسم و یا ناظر این واقعه از سیما، خونین و در آن سو اما چشمان نامحرم دشمنانی که همه ساله ابعاد این مراسم و مطالب آن را به دقت رصد می‌کنند از حرمت شکنی نسبت به خاندان امام برق زده و شادمان، این بود دست‌آورد همه تلاشهای پنهان و آشکاری که از چندین ماه پیش بکار بستند تا به خیال باطل خود بین مردم و اهل بیت امام و یادگار امام فاصله بیندازند. و این بی‌حرمتی در حرم امام بهترین ارمغانی بود که این جریان افراطی در سالروز بزرگداشت یاد امام به بوقهای بیگانه ارزانی داشت تا سوژه‌ای شود برای تحلیلها و خبرها در به چالش کشیدن نظام و تفرقه‌اندازی بین دلسوزان انقلاب. در شگفتم رسانه‌ها و روزی نامه‌هایی که هرگونه حق‌گویی را به دلیل اینکه موجب خشنودی بیگانگان شده و اسباب خوشحالی بی‌بی‌سی و صدای آمریکا می‌شود را بشدت محکوم می‌کنند و با همین حربه هر روز به این و آن می‌تازند امروز چگونه این اقدام وقیحانه را که در پیش چشم دوربینهای پرشمار خودی و بیگانه سازماندهی کرده و به نمایش گذاشتند و مراسم امام را تحت الشعاع قرار دادند توجیه می‌کنند. و چگونه خود را پیرو رهبری و ولایت می‌دانند در حالیکه شاهد بودند که رهبری معظم انقلاب با حرکت بی‌سابقه خویش در تفقد نسبت به یادگار امام



درست فاصله چند دقیقه پس از این حرمتشکنی‌ها عملاً از این جمعیت اندک و هتاک تبری
جستند؟

نسبت دادن اینگونه رفتارهای وقیحانه به بسیجیان واقعی و آن بسیج عزیزی که امام آن را
تعریف و تأسیس کرد و اوامر و نواهی خویش را به طور شفاف درباره وظایف آن در وصیتنامه
تصریح نموده است، بزرگترین ظلم به بسیج و اهانتی است بزرگ به شهیدان و بسیجیان واقعی و
امام بسیجیان.

شرم آورتر از آنچه که این جمع اندک سازماندهی شده و هتاک در حرم امام پدید آوردند
آنکه به فاصله چند دقیقه پس از این حادثه با استفاده از امکانات عمومی و بیت المال در پیامکهای
کوتاه فراوان - که مدتهاست اینگونه پیامها را بدون اجازه گیرندگان و صاحبان تلفن همراه مرتب
در موضوعات مختلف مخابره می‌کنند - به ابراز شادمانی از اینکه نگذاشتند نوه بنیانگذار نظام
جمهوری اسلامی در مراسم بزرگداشت امام و پدر بزرگ خویش از امام بگویند و از زائران امام
تشکر کند پرداخته و حتی وقیحانه در پیامکهایشان از اینکه درخواست صلوات و فاتحه برای امام
نیز آنان را از برهم زدن مراسم باز نداشت اطلاع رسانی و شادمانی کردند. ساعتی بعد که ابعاد این
حرمت شکنی وقیحانه دهان به دهان و از طریق گفتگوهای حاضرین و ناظرین واقعه فزونی گرفت
و آغاز موجی از همدردی با اهل بیت رنجکشیده امام و پرسشهای جدی اینسو و آنسو از چرایی و
چگونگی این بی حرمتی پدیدار گشت، گردانندگان این واقعه و آن محافل، به اصطلاح دستپاچه
شده و در سایتها و رسانه‌های خویش شروع کرده اند به فلسفه بافی و دادن آدرسهای گمراه کننده
و خلاف گوییها؛ تردیدی ندارم که روزنامه‌های آتش بیار اینگونه معرکه‌ها که حلقه وصل
محافل افراطی و خط دهنده تبلیغات آنند از فردا به هر رطب و یابسی متوسل می‌شوند تا به توجیه
این وقاحت و حرمت شکنی آشکار بپردازند و ابعاد این لطمه بزرگی که به حیثیت مهمترین برنامه
معتبر نظام جمهوری اسلامی زدند که در شاخصهای خط و راه امام از کبائر گناهان است را
کوچک جلوه داده و حتی آن را کاری افتخار انگیز بنامند و حرمتشکنی و توهینهای این جمعیت
اندک سازماندهی شده هتاک را که مردم شریف تهران مدتهاست بخوبی ماهیت و حرکات آنها

را می شناسند، به مردم و زائران امام نسبت دهند.

اینهم رنجی دیگر در کارنامه رنجهای بی‌شمار خاندان خمینی کبیر، و باید همان شعر عارفانه امام را زمزمه کنیم که در آن رنج و بلا، پیمودن راه حق و حقیقت را بجای شیرینی و آسایش ناهمراهی با حق طلب کرده و می گوید: ما را رها کنید در این رنج بی حساب.

ذکر این خاطره و حقیقتی که دیروز (جمعه) دو سه ساعت بعد از مراسم شاهد آن بودم خالی از لطف و نکته نیست. عصر جمعه نخستین باری که ساعتی بعد از مراسم، جناب حاج حسن آقای خمینی را دیدم و از ایشان در باره نگاهشان به حادثه و بازتاب آن پرسیدم به طور طبیعی به لحاظ روابط صمیمانه‌ای که داریم - که خود محصول منش بلند و کرامت این خاندان است - انتظار و تصورم بر این بود که در پاسخم ایشان ابتدا درد دلی کند و از دشواری تحمل شرایط در این روزها اشاره‌ای داشته باشد. خدای متعال را شاهد می‌گیرم اولین مسئله و مهمترین مطلبی که پیرامون این حادثه گفت این بود آنچه که مرا بیش از هر چیز رنج می‌دهد اینکه این مسأله بر متن و اصل مراسم امام و فلسفه وجودی آن که بزرگداشت یاد و نام امام و به رخ کشیدن عظمت نظام جمهوری اسلامی بوده غلبه کرده است.

آیا بیان همین یک نکته از نگاه و دغدغه‌های یادگار امام کافی نیست تا بانیان بلوای حرمت‌شکنا، روز جمعه را در پیشگاه خدا شرم‌منده کند؟

آری دغدغه عزیزان خمینی مسائل شخصی نبوده و نیست. این را ملت ایران با تمام وجودش در مواجهه و مراوده با امام و خاندان امام در این سی سال گذشته و سالهای پیش از این در یافته است. از زمان وقوع این حرمتشکنی تلخ تا لحظه نگارش این دلنوشته که از سر ناصبوری و دلتنگی از رنجهای این روزها بر قلم شکسته ام جاری شد چندین بار دستخط این جمله دردآلود امام در جلوی چشمم مجسم گردید جمله‌ای از پیام امام که وقتی برای درج در صحیفه امام در سالهای قبل آن را مرور می‌کردم بارها از دردهای ناگفته و رنجهای فراوان امام گریستم. توصیه می‌کنم یکبار دیگر آن پیام و چندین پیام دیگر با همین مضمون از امام را بخوانید و از شگفتی پیش‌بینی‌های امام و رنجهای دل‌دریائش بیشتر بدانید. جمله امام چنین است:



«احتمال قوی می‌دهم که پس از من برای انتقامجویی از من به بعض نزدیکان و دوستانم تهمتها که من آنها را ناروا می‌دانم بزنند و به آتشی که باید مرا بسوزانند آنان را بسوزانند و احياناً به صورت دفاع از من انتقام مرا از آنها بگیرند. و اکنون در حیات من گفتگوها و زمزمه‌هایی به گوش می‌خورد که احتمال فوق را قوی‌تر می‌کند.»

(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۹۰)

پس از واقعه تلخ دیروز (جمعه) علاوه بر مراجعه و تماسهای فراوان زائران و حاضران در مراسم با دفتر حضرت امام و دواير حرم مطهر در ابراز انزجار از گردانندگان این حرمت‌شکنی، تا اکنون چندین تماس تلفنی از اعضای خانواده معزز شهیدان و حتی خانواده سه فرزند شهید داده داشتم که حق‌گريه امانشان نمی‌داد و ملتسمانه می‌خواستند همدلی خود و خانواده‌اشان را به حاج حسن آقا و اعضای بیت امام برسانم. این انگیزه‌ای شد برای بازگویی درد دل خود در این نوشته و همصدایی با خیل عظیم عاشقان خمینی که دستشان از رسانه‌ها و ابزار قدرت کوتاه است. در دلتنگیها و بی‌قراری‌های اخیر خویش گاهی زمزمه می‌کنم: خوش بحال آنها که جریان تلخ حرم امام در مثل دیروزی را ندیده و آنچه که ناجوانمردانه در این ایام در حق یاران و همراهان و خاندان امام می‌گویند و می‌نویسند و خواهند نوشت را نشنیده و رفتند، خوش بحال مرحوم حاج احمد آقا، آیت‌الله توسلی، و آنها که به وقوع پیوستن پیش‌بینی اعجاب‌انگیز امام را ندیده و رفتند.... و انا ان شاء الله بهم لاقون.

خدمتگزار ترویج اندیشه و آثار امام - حمید انصاری ۱۵ خرداد ۱۳۸۹